

Islamic Knowledge and Insight

Content Critique of Fabricated Hadiths on Women: A Focus on Sunni Narratives

1. Alireza Gheysari: PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
2. Soheila Parastegari*: Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Falavarjan Branch, Islamic Azad University, Falavarjan, Iran. (Email: soheilaparastegari@gmail.com)
3. Majed Najarian: Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract

This study conducts a content analysis of hadiths related to women in Islamic texts, aiming to examine Islamic perspectives on women's rights and roles in society. Given the importance of women's position within the family and community, this research seeks to clarify the various interpretations of religious texts and their impacts on women's daily lives. The findings reveal that Islamic hadiths emphasize women's rights and dignity, highlight their educational and social roles, and stress the necessity of kind treatment toward women. However, challenges in interpreting these hadiths and differing understandings can lead to diverse perspectives on women. This study demonstrates that promoting positive hadiths can lead to significant social changes in attitudes and behaviors toward women. Finally, the results emphasize the need for education and awareness about women's rights in Islam. The study suggests that future research should conduct comparative analyses of these hadiths across different Islamic communities and examine their social impacts. This research can contribute to the development of effective strategies for enhancing the status of women in Islamic societies and fostering a more just and equitable community.

Keywords: content critique, fabricated hadiths, women, Sunni traditions.



How to cite: Gheysari, A., Parastegari, S., & Najarian, M. (2024). Content Critique of Fabricated Hadiths on Women: A Focus on Sunni Narratives. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(1), 122-138.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 08 April 2024

Revise Date: 25 May 2024

Accept Date: 16 June 2024

Publish Date: 21 June 2024

معرفت و بصیرت اسلامی

نقد محتوایی احادیث موضوعه در حوزه زنان با رویکرد روایت‌های اهل سنت

۱. علیرضا قیصری: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
۲. سهیلا پرستگاری*: استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد فلاورجان، دانشگاه آزاد اسلامی، فلاورجان، ایران. (پست الکترونیک: soheilaparastegari@gmail.com)
۳. ماجد نجاریان: استادیار، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

این پژوهش به تحلیل محتوایی احادیث مرتبط با زنان در متون اسلامی می‌پردازد و هدف آن بررسی نگرش‌های اسلامی نسبت به حقوق و نقش‌های زنان در جامعه است. با توجه به اهمیت جایگاه زنان در خانواده و جامعه، این تحقیق ضرورت دارد تا به شفاف‌سازی برداشت‌های مختلف از متون دینی و تأثیر آن‌ها بر زندگی روزمره زنان بپردازد. یافته‌ها نشان می‌دهند که احادیث اسلامی با تأکید بر حقوق و کرامت زنان، نقش تربیتی و اجتماعی آن‌ها را مورد توجه قرار داده و به نوعی بر ضرورت رفتار نیکو با زنان تأکید دارند. همچنین، چالش‌های موجود در تفسیر این احادیث و برداشت‌های متفاوت می‌تواند منجر به نگرش‌های مختلف نسبت به زنان شود. این پژوهش نشان می‌دهد که ترویج احادیث مثبت می‌تواند به تغییرات اجتماعی مؤثری در نگرش‌ها و رفتارها نسبت به زنان منجر شود. در نهایت، نتایج این تحقیق بر ضرورت آموزش و آگاهی‌بخشی درباره حقوق زنان در اسلام تأکید دارد و پیشنهاد می‌کند که پژوهش‌های آینده به بررسی تطبیقی این احادیث در جوامع مختلف اسلامی پرداخته و تأثیرات اجتماعی آن‌ها را مورد بررسی قرار دهند. این پژوهش می‌تواند به توسعه راهکارهای مؤثر برای ارتقاء جایگاه زنان در جوامع اسلامی کمک کند و به سمت جامعه‌ای عادلانه‌تر و برابرتر حرکت کند.

کلیدواژه‌ها: نقد محتوایی، احادیث موضوعه، حوزه زنان، اهل سنت.

شیوه استناددهی: قیصری، علیرضا، پرستگاری، سهیلا و نجاریان، ماجد. (۱۴۰۳). نقد محتوایی احادیث موضوعه در حوزه زنان با رویکرد روایت‌های اهل سنت. معرفت و بصیرت اسلامی، ۲(۱)، ۱۲۲-۱۳۸.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۰ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۵ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۷ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱ تیر ۱۴۰۳

مقدمه

در طول تاریخ، متون دینی به ویژه احادیث پیامبر اسلام (ص)، نقش مهمی در شکل دهی به نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی داشته‌اند. این احادیث، به عنوان منبعی معتبر در فهم معانی و اصول اسلامی، به ویژه در زمینه‌های اخلاقی، اجتماعی و خانوادگی، مورد استناد قرار می‌گیرند. با این حال، برخی از این احادیث به دلیل ضعف سندی یا محتوایی، به عنوان احادیث موضوعه شناخته می‌شوند. احادیث موضوعه به احادیثی اطلاق می‌شود که به طور عمدی جعل شده‌اند و در نتیجه، اعتبار علمی و دینی ندارند. یکی از حوزه‌های مهمی که این احادیث بر آن تأثیر گذار بوده‌اند، نگرش به زنان است. در بسیاری از جوامع اسلامی، تصورات و باورهای فرهنگی نسبت به زنان تحت تأثیر احادیث مختلف قرار دارد. برخی از این احادیث ممکن است موجب تقویت استریوتایپ‌ها (کلیشه‌های) منفی درباره زنان شوند و در نتیجه، بر حقوق و موقعیت اجتماعی آنان تأثیر بگذارند. بنابراین، نقد محتوایی این احادیث از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که بسیاری از روایات مرتبط با زنان، به دلیل ضعف سندی یا محتوایی، نمی‌توانند به عنوان مبنای معتبر برای استنباط احکام اسلامی مورد استفاده قرار گیرند. با این وجود، این احادیث همچنان در متون فقهی و تفسیری مورد استناد قرار می‌گیرند. لذا بررسی دقیق این احادیث و تحلیل محتوای آن‌ها می‌تواند به فهم عمیق‌تری از وضعیت زنان در جوامع اسلامی کمک کند.

در برخی از این احادیث مطابق سیره عملی و نظری حضرت محمد (ص)، زنان مورد احترام توصیف شده‌اند به طوری که رسول اکرم (ص) در خصوص موقعیت زنان، سنت شکنی با جامعه آن روز عرب نموده و انسان‌های برجسته را از میان زنان و مردان به لحاظ دارا

بودن فضائل اخلاقی معرفی می‌نماید. پیام رسول خدا (ص) کاملاً مطابقت با حقوق انسانی زن داشته است چنان که می‌فرماید: «دوست داشتن همسران از اخلاق انبیاء است»؛ «بین ازدیاد ایمان و ازدیاد علاقه به همسر، رابطه مستقیمی است»؛ بر اساس روایت‌هایی در منابع روایی اسلامی، از حضرت محمد (ص) منقول است که تکریم زنان را کار بزرگ‌منشان دانسته و اهانت به آن‌ها را کار پست و فرومایگان معرفی کرده‌است. در کلام حضرت (ص) مشخصه مردان و انسان‌های بزرگوار در احترام و عدم توهین به زنان است همان‌طور که رسول خدا (ص) می‌فرماید: زنان را گرامی نمی‌دارند مگر افراد بزرگوار و به آنان توهین نمی‌کنند جز مردم پست و فرومایه. از رسول خدا (ص) نقل است که علم طلبی را برای زنان مانند مردان لازم و آن را فریضه دانسته و هیچ زن و مردی را از قاعده مستثنا نکرده است. «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» احترام و کرامت بخشیدن به همسر از نگاه و گفتار رسول اکرم برابر است با عدم لعن و نفرین بر مرد، چنان که می‌فرماید: «ملعون، ملعون من ضیع من یعول» ملعون است ملعون کسی که زن خود را ضایع کند. ضایع ساختن زن یعنی حق او را از بین بردن و احترام و کرامت او را نادیده گرفتن. اسلام زن را از نظر شرافت و حیثیت انسانی برابر با مرد می‌داند. در جایی که پیامبر اسلام مردانی که حق همسر خود را از بین ببرند را ملعون می‌شمارد، اما در مقابل هرگز زنی را نفرین نمی‌کند. حضرت به بانوان سلام می‌کرد و آن‌ها پاسخش را می‌دادند. برای احترام، بانوان فرزند دار و بی فرزند را به کنیه می‌نامید؛ به زیارت آنان می‌شتافت و از زن‌های مریض عیادت می‌کرد. هدف این پژوهش نقد محتوایی احادیث موضوعه در حوزه زنان با رویکرد روایت‌های اهل سنت است. این پژوهش سعی دارد تا با شناسایی و تحلیل این احادیث، نقاط ضعف

How to cite: Mohammadi Zaer, S., Anjomshoa, Z., Salajegheh, S., Nazari, A., Pour Rashidi, R. (2024). Epistemology of Faith and Doubt in Islamic Philosophy and Its Impact on Individual Life. *Islamic Knowledge and Insight*, 1(1), 66-76.

شبهه استناددهی: محمدی زائر، سارا، انجم شعاع، زهرا، سلاجقه، سنجر، نظری، اکبر، و پور رشیدی، رستم. (۱۴۰۳). معرفت‌شناسی ایمان و شک در فلسفه اسلامی و تأثیر آن بر زندگی فردی. معرفت و بصیرت اسلامی، ۱(۱)، ۶۶-۷۶

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

Submit Date:

Revise Date:

Accept Date:

Publish Date:

تاریخ ارسال:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ چاپ:

و قوت آن‌ها را بررسی کند و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آن‌ها بر نگرش‌ها و رفتارها نسبت به زنان را روشن سازد. این پژوهش از چند جنبه اهمیت دارد: الف - با نقد محتوایی احادیث موضوعه، می‌توان به افزایش آگاهی عمومی درباره نقش واقعی زنان در اسلام و حقوق آنان کمک کرد. ب - نتایج این تحقیق می‌تواند به بازنگری در برخی از روایات فقهی کمک کند و موجب اصلاح دیدگاه‌ها درباره زنان در متون فقهی شود. ج - با تحلیل انتقادی این احادیث، می‌توان چالش‌های اجتماعی موجود در زمینه حقوق زنان را شناسایی کرده و راهکارهایی برای رفع آن‌ها ارائه داد. د - همچنین این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات بیشتر در حوزه مطالعات زنان و دین باشد و به گسترش ادبیات علمی در این زمینه کمک کند. در نهایت، با توجه به تأثیر عمیق احادیث بر زندگی اجتماعی و فرهنگی مسلمانان، نقد محتوایی احادیث موضوعه در حوزه زنان نه تنها یک ضرورت علمی بلکه یک نیاز اجتماعی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در زمینه احادیث موضوعه و تأثیر آن‌ها بر نگرش‌های اجتماعی نسبت به زنان، به چندین حوزه مختلف مرتبط می‌شود. این حوزه‌ها شامل تاریخ نگاری حدیث، فقه اسلامی، مطالعات زنان و جامعه‌شناسی دینی است. در ادامه، به بررسی این حوزه‌ها و منابع مرتبط می‌پردازیم.

تاریخ نگاری حدیث: تاریخ نگاری حدیث به بررسی سند و متن احادیث پرداخته و معیارهای مختلفی را برای ارزیابی اعتبار آن‌ها ارائه می‌دهد. یکی از منابع معتبر در این زمینه، کتاب "علوم الحدیث" نوشته ابن صلاح (م. ۶۴۳ هجری) است که به تفصیل به مباحث مربوط به صحت و ضعف احادیث پرداخته است (Ibn Salah, 1999). ابن صلاح در این اثر، معیارهایی مانند عدالت راوی، ضبط و عدم وجود تناقض در متن حدیث را برای ارزیابی احادیث بیان می‌کند.

فقه اسلامی و احادیث موضوعه: فقه اسلامی نیز به شدت تحت تأثیر احادیث قرار دارد و بسیاری از احکام شرعی بر اساس روایات

نقل شده از پیامبر (ص) استنباط می‌شود. در این راستا، برخی از محققان مانند نواب صفوی در کتاب "اجتهاد و تقلید" به بررسی احادیث موضوعه و تأثیر آن‌ها بر فقه پرداخته‌اند (Nawab Safavi, 2002). او تأکید می‌کند که بسیاری از احادیثی که به زنان مربوط می‌شوند، ممکن است به دلیل ضعف سندی یا محتوایی، نمی‌توانند مبنای فقهی قابل اعتمادی باشند.

مطالعات زنان: در دهه‌های اخیر، مطالعات زنان در جهان اسلام رونق یافته و محققان به تحلیل نقش زنان در متون دینی پرداخته‌اند. یکی از منابع مهم در این زمینه، کتاب "زنان در اسلام" نوشته فاطمه مهدوی کنی است که به بررسی جایگاه زنان در متون اسلامی و تأثیر احادیث بر نگرش‌های اجتماعی نسبت به آنان می‌پردازد (Mahdavi Kani, 2010). او نشان می‌دهد که برخی احادیث موجب تقویت استریوتایپ‌ها منفی درباره زنان شده و بر حقوق آن‌ها تأثیر گذاشته است.

جامعه‌شناسی دینی: از منظر جامعه‌شناسی دینی، تأثیر احادیث بر رفتارها و نگرش‌های اجتماعی نسبت به زنان موضوعی مهم است. کتاب "دین و جامعه" نوشته آنتونی گیدنز به بررسی تأثیر دین بر ساختارهای اجتماعی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه متون دینی می‌توانند بر رفتارهای فردی و اجتماعی تأثیر بگذارند. این تأثیرات در مورد زنان نیز مشهود است، جایی که برخی روایات می‌توانند موجب تقویت تبعیض‌های جنسیتی شوند.

نقد روایی احادیث: در نقد روایی احادیث، محققانی مانند محمد باقر مجلسی در کتاب "بحار الأنوار" به بررسی احادیث ضعیف و موضوعه پرداخته‌اند و تأکید می‌کنند که باید از پذیرش بدون انتقاد این احادیث پرهیز کرد (Majlesi, 1983). او همچنین به بررسی احادیث مربوط به زنان پرداخته و برخی از آن‌ها را به دلیل ضعف سندی رد کرده است.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که موضوع احادیث موضوعه و تأثیر آن‌ها بر نگرش‌های اجتماعی نسبت به زنان، دارای ابعاد متعددی است

که نیازمند بررسی دقیق‌تر است. با توجه به منابع مختلف موجود، تحقیق در این زمینه می‌تواند به فهم عمیق‌تری از وضعیت زنان در جوامع اسلامی کمک کند و نقش احادیث را در شکل‌دهی به نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی روشن سازد.

روش‌شناسی

روش‌شناسی تحقیق به عنوان یکی از ارکان اساسی هر پژوهش، به تعیین رویکردها، ابزارها و تکنیک‌های مورد استفاده در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. در این بخش، به تشریح روش‌های مورد استفاده در این تحقیق درباره احادیث موضوعه و تأثیر آن‌ها بر نگرش‌های اجتماعی نسبت به زنان خواهیم پرداخت. این بخش شامل چهار قسمت اصلی است: نوع تحقیق، جامعه آماری، ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها و روش‌های تحلیل داده‌ها. این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است. هدف از این نوع تحقیق، بررسی و تحلیل داده‌ها به منظور درک بهتر موضوع مورد نظر است. در اینجا، ما به دنبال شناسایی و تحلیل احادیث موضوعه مرتبط با زنان و تأثیرات آن‌ها بر نگرش‌های اجتماعی هستیم. همچنین، این تحقیق از رویکرد کیفی بهره می‌برد که به ما اجازه می‌دهد تا عمیق‌تر به مفاهیم و معانی موجود در احادیث بپردازیم.

جامعه آماری این تحقیق شامل کتب حدیثی معتبر (مانند صحاح سته، بحار الأنوار و...) که احادیث مربوط به زنان را شامل می‌شوند. همچنین افرادی که در زمینه حدیث، فقه اسلامی و مطالعات زنان فعالیت دارند و می‌توانند دیدگاه‌های ارزشمندی درباره تأثیر احادیث موضوعه بر نگرش‌های اجتماعی ارائه دهند. برای انتخاب نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده خواهد شد تا افراد یا متون مرتبط با موضوع تحقیق انتخاب شوند. بررسی و تحلیل متون دینی و حدیثی به عنوان منبع اصلی داده‌ها. این مطالعه شامل استخراج احادیث مرتبط با زنان و بررسی سند و متن آن‌ها است.

معیارهای نقد محتوایی حدیث

«توجه محدثین به قواعد نقد متن مسئله‌ای است که بیش از هزار سال پیش توسط پیشوایان حدیث وضع شده و دانشمندان بر آن تأکید داشته‌اند. از نگاه ایشان این قواعد بسیار سودمند و کافی است و هر زمان بر حسب تازگی علوم و معارف جدید تجدید می‌شود و بدون استثناء بر تمامی کتاب‌های حدیثی قابل تطبیق است» (Masoudi, 2005; Roshan Zamir, 2019)؛ به معنای جداسازی روایات حقیقی از ساختگی و سنجش آن با معیارهای استوار و کارآ، در هر دو ناحیه‌ی سند و متن، لازم و به وقوع پیوسته است. نقد متن، اهمیت و معیارهای آن رسالت این مقاله می‌باشد. تفکر نقادانه دانشی است با هدف افزایش توانایی ما در اندیشیدن، استدلال کردن و نقد کردن. تفکر نقادانه بیش از آنکه به «اندیشه»‌ها بپردازد به «اندیشیدن» می‌پردازد و سعی می‌کند کیفیت اندیشیدن ما را ارتقا ببخشد. ناگفته پیداست که ارتقای کیفیت «اندیشیدن» بر «اندیشه»‌های ما در همه زمینه‌ها تأثیر می‌گذارد. نقد محتوا (آرانی، ۱۳۹۳)؛ بررسی مضمون و مفهوم کلام است، بدین معنی که اگر مضمون حدیث، موافق با معیارها باشد مورد پذیرش قرار می‌گیرد اما اگر موافق معیار نباشد مورد پذیرش نیست. یکی از مستندات رجال نویسان در توفیق و تضعیف راویان، نقد محتوایی روایات آنان بوده است. طبق تعاریف بالا برای سنجش محتوای حدیث لازم است از مفهوم و استواری معیار، مطمئن شویم. با بهره‌گیری از متن سخنرانی آیه الله سبحانی (۱۳۷۷) «معیار باید خود حق، مطابق با واقعیت خارجی و بر پای خویش، راست و استوار ایستاده و برای ما روشن باشد.» (Sobhani, 1998)؛ در این مقاله مهم‌ترین و پرکاربردترین معیارهای نقد محتوایی عبارت است از: قرآن، سنت، مسلمات اعتقادی، عقل، حس، علم و تاریخ معتبر.

۱- قرآن و روایات

قرآن، قطعی‌ترین نص و محکم‌ترین سند مکتوب مسلمانان است که بدون تحریف و تغییر و یا زیاده و نقصان، به دست ما رسیده است. از نظر هر مسلمان، قرآن، ملاک اعتبار هر امر دیگر و بیانگر همه چیز است، باطل، در آن راه ندارد و شیطان و شیطانیان را بر آن، سیطره‌ای

نیست خدا، خود، نگاهبان و نگه دارنده قرآن است و پیامبر (ص)، تبیین کننده آن است. از این رو، سخن مخالف قرآن، حجّیت نمی‌یابد و اهل بیت (ع)، به پیروان خود ره نمود داده اند که حدیث مخالف قرآن را از آنان ندانیم. قرآن به هنگام تعارض دو حدیث نیز معیاری کارا و فیصله دهنده است. اگر دو حدیث با هم تعارض حل ناشدنی یافتند، به حدیث اعتبار می‌بخشیم که هیچ گونه مخالفتی با قرآن نداشته باشد؛ حتی مخالفت به شکل عموم و خصوص ۱، یا اطلاق و تقييد ۲ که در حالت غیر تعارض، قابل حل بود. جایگاه اصلی این بحث، در مباحث تعادل و تراجیح دانش اصول فقه است که بر اساس روایات رسیده در این موضوع، شکل گرفته است (Sobhani, 1998). بسیاری از احادیث بر حقوق زنان تأکید دارند. حدیثی از امام علی (ع) که می‌فرمایند: "مردان بر زنان سرپرستی دارند به خاطر فضیلت‌هایی که خداوند به بعضی از آن‌ها داده است" (نهج البلاغه، خطبه ۸۰) نشان‌دهنده مسئولیت مردان در حمایت از زنان است. احادیث مختلفی وجود دارند که نقش زنان را در خانواده و تربیت فرزندان مورد تأکید قرار می‌دهند. به عنوان مثال، حدیثی از پیامبر اسلام (ص) که می‌فرمایند: "بهشت زیر پای مادران است" (Nasa'i)؛ نشان‌دهنده جایگاه والای مادران در اسلام است. احادیث متعددی وجود دارند که به حقوق زنان اشاره می‌کنند. به عنوان مثال، پیامبر اسلام (ص) در حدیثی فرموده‌اند: "هر کس از شما زنی دارد، باید با او به خوبی رفتار کند" (Bukhari). این حدیث نشان‌دهنده تأکید بر حقوق زنان و لزوم احترام به آن‌ها در خانواده است. همچنین، در حدیث دیگری آمده است: "مردان بر زنان سرپرستی دارند به خاطر فضیلت‌هایی که خداوند به بعضی از آن‌ها داده است" (نهج البلاغه، خطبه ۸۰) که نشان‌دهنده مسئولیت مردان

در حمایت از زنان و تأمین نیازهای آن‌ها است. با این حال، برخی احادیث نیز ممکن است برداشت‌های منفی نسبت به زنان را تقویت کنند. به عنوان مثال، حدیثی که می‌گوید: "زنان ناقص‌العقل هستند" (Bukhari) می‌تواند به نگرش‌های منفی نسبت به توانایی‌های عقلانی زنان منجر شود. این نوع احادیث باید با احتیاط تفسیر شوند و در نظر داشته باشیم که بسیاری از فقها و مفسران این احادیث را در بستر تاریخی خاص خود تحلیل کرده‌اند. از سوی دیگر، برخی احادیث به نقش زنان در جامعه اشاره دارند. برای مثال، امام علی (ع) در یکی از خطبه‌های خود می‌فرمایند: "زنان را در کارهای اجتماعی و سیاسی مشارکت دهید" (نهج البلاغه، خطبه ۸۰). این نوع احادیث می‌تواند نشان‌دهنده تأکید بر مشارکت فعال زنان در جامعه باشد و بر ضرورت تغییر نگرش‌های سنتی نسبت به نقش زنان تأکید کند. تفسیر احادیث درباره زنان با چالش‌های متعددی روبه‌روست. یکی از این چالش‌ها، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی است که ممکن است بر تفسیر این متون تأثیر بگذارد. برای مثال، برخی جوامع ممکن است بر اساس فرهنگ محلی خود برداشت‌های خاصی از احادیث داشته باشند که ممکن است با اصول اسلامی مغایرت داشته باشد (Mousavi, 2019). علاوه بر این، نحوه نگارش و انتقال احادیث نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد. برخی از احادیث ممکن است در طول زمان دچار تحریف یا تغییر معنا شده باشند. بنابراین، پژوهشگران باید با دقت بیشتری به منابع اصلی مراجعه کنند و از تفاسیر مختلف استفاده کنند تا بتوانند به یک برداشت جامع و صحیح دست یابند. احادیث مرتبط با زنان نه تنها بر نگرش‌های فردی تأثیر می‌گذارند بلکه می‌توانند بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیرگذار باشند. برای مثال، اگر احادیثی که حقوق زنان را تأکید می‌کنند، در

^۱ «عام»، لفظی است که بدون حصر، تمام افرادی که صلاحیت آن‌را دارند فرا می‌گیرد و یکی از الفاظ آن «کلّ» است اما «خاص» عبارتی است که برخی مصادیق واژگان یا عبارت عامی را از دایره شمول آن خارج می‌کند. در سوره عصر آیات ۲ و ۳ لفظ «الانسان» عام بوده و عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» خاص است.

^۲ اطلاق و تقييد، مانده‌عام و خاص، از امور اضافی ونسبی است؛ یعنی یک لفظ ممکن است نسبت به افراد زیر مجموعه خود اطلاق داشته باشد، اما همین لفظ ممکن است نسبت به لفظ دیگری که دایره گسترده تری دارد، مقید محسوب شود.

اتکا در جایی است که حدیث بازگو کننده واقع خارجی باشد. حس نیز با همان محدودیت‌های عقل، رو به روست و توان سنجش احادیث فراعقلی، اعتباری و فقهی را ندارد.

۶- علم قطعی

مقصود از علم، دستاوردهای قابل اطمینان بشر در همه زمینه‌ها، بویژه علوم تجربی است؛ دستاوردهایی که قطعیت دارند، یا به اندازه‌ای مطمئن اند که به احتمال خلاف در آن‌ها توجّهی نمی‌شود. بیشتر پژوهش‌های علمی، بویژه تجربی، براساس فرضیه‌هایی شکل می‌گیرند که در فرایند تکرار و تجربه فراوان و به شیوه استقرایی، از درستی آن، مطمئن می‌شویم.

۷- تاریخ معتبر

مراد از گونه‌های تاریخی اعتبار سنجی محتوای حدیث، مؤلفه‌هایی است که در پیوند با تاریخ قرار داشته و سنجیدن روایت با آن‌ها سبب ایجاد اطمینان به درستی یا نا استواری حدیث می‌شود. توجه به عواملی چون اوضاع و احوال سیاسی، شرایط حاکمان، فضای صدور حدیث و جایگاه اجتماعی راویان در برآوردن معیاری دقیق تر نقش آفرین خواهد بود. استفاده از منابع تاریخی معتبر برای بررسی احادیث و سند آن‌ها نیازمند دقت و دانش در علوم حدیث و تاریخ است. در این راستا استفاده از کتاب‌های حدیثی اولیه مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، نهج البلاغه، اصول کافی، تهذیب الأحکام، و من لا یحضره الفقیه و کتب تاریخی اسلامی مانند تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، و الکامل فی التاریخ و کتب رجال معتبر مانند رجال کشی، رجال نجاشی، و تهذیب المقال ضروری است.

مسائل مرتبط با زنان در احادیث اهل سنت

۱- تنبیه زنان

«در تفسیر کلبی از ابن عباس چنین نقل شده است: زنان را به کتاب خدا موعظه کنید و به او بگوئید که از خدا بترسد و از شما اطاعت کند، اگر قبول نکرد با او درشتی کنید و گرنه طوری او را بزنید که بدنش زخم نشود و استخوانش شکسته نشود، همچنین روایت شده است «عمر همسرش را تنبیه بدنی کرد و به همین خاطر مورد ملامت

جامعه‌ای ترویج یابند، می‌توانند به تغییرات مثبت در نگرش‌ها و رفتارها نسبت به زنان منجر شوند (Ahmadi, 2022). به عنوان مثال، در جوامعی که آموزش و پرورش برای دختران مورد تأکید قرار گرفته است، مشاهده می‌شود که برداشت‌های مثبت‌تری از نقش زنان وجود دارد. این امر نشان‌دهنده ارتباط مستقیم بین آموزه‌های دینی و توسعه اجتماعی است.

۲- سنت

معیار دوم در کنار قرآن را سنت دانسته اند. ممکن است وضعیت حدیثی، حتّی پس از سنجش با قرآن، روشن نشود و نیاز به سنجش آن با معیار دوم، یعنی سنت باشد. «سنت در لغت بمعنی طریقه یا طریقه‌پسندیده است و در اینجا مراد از سنت همان گفتار (= قول) و کردار (= فعل) معصوم یا عمل شخص دیگری است که در حضور وی انجام شود و آن جناب به زبان یا به سکوت خود آنرا امضا فرماید (Modir Shanechi, 1984)».

۳- مسلمات دینی و مذهبی

مسلمات هر دین و مذهب، آموزه‌هایی هستند که به تواتر برای گروندگان به آن مذهب، نقل، یا با دلیل‌هایی استوار، چنان اثبات شده اند که پیروان و باورمندان، تردید در آن‌ها را روا نمی‌بینند و هیچ مخالفت و انکاری را نسبت به آنها، بر نمی‌تابند.

۴- عقل

«عقل، در لغت، به معنای نگاه داشتن و مهار کردن است. عقل، نزد فیلسوفان، متکلمان و عالمان اخلاق، تعریف‌ها و دسته بندی‌های گوناگونی دارد؛ اما از آن جا که ما در پی نقد آموزه‌های دینی با معیار پذیرفته دین هستیم، ناگزیر از کشف معنای عقل در گزاره‌ها و متون اصلی دین، یعنی قرآن و حدیث هستیم. این مهم، پیش تر به انجام رسیده است. در متون دینی، عقل، در سه معنای مبدأ ادراکات بشر، اندیشه ورزی و نیروی تشخیص خوب و بد، به کار می‌رود.

۵- حس و تجربه

محسوسات و بویژه مشاهدات، در شمار معلومات نخستین، یقینی و قابل اعتماد انسان هستند. حس به سان عقل، واقع نما و معیاری قابل

واقع شد، او در جواب گفت: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: مرد به خاطر زدن همسرش، مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد».

نقد و تحلیل حدیث

تنبيه بدنی زنان مسئله‌ای اجتماعی که در اسلام ممنوع شده و در مورد زنان ناشزه (زنانی که از انجام وظایف زناشویی خودداری کنند) در اصل حکم و جزئیات آن اختلاف وجود دارد. مشهور عالمان مسلمان مسئله تنبيه زنان ناشزه را به واژه «وَأَضْرَبُوهُنَّ» در آیه ۳۴ سوره نساء مستند کرده‌اند؛ با این حال در چگونگی آن اختلاف داشته و حتی آن‌را به زدن با چوب مسواک محدود کرده‌اند. در این قسمت به بیان دیدگاه مفسرین و اندیشمندانی می‌پردازیم که ضرب را به معنی زدن میدانند، البته با شرایطی که خود آیه و نیز روایاتی که در این خصوص وارد شده، به آن اشاره خواهیم کرد. بر طبق آیه شریفه ۳۴ سوره نساء، اگر زنی نسبت به شوهر نافرمانی کرد، مرد برای آنکه بتواند او را به حالت اولیه برگرداند، میتواند پس از طی مراتب نصیحت و هجر او را بزند. در مورد اینکه آیا موارد سهگانه مذکور در آیه (وعظ، هجر، ضرب) باید به ترتیب اعمال گردد یا اینکه انتخاب یکی از آن‌ها حق شوهر است که از بین آن‌ها انتخاب نماید و یا اینکه بستگی به شدت نشوز دارد، بین فقها اختلاف وجود دارد. عده‌ای قائل به ترتیب هستند و بهقاعده ترتیب در نهی از منکر استناد میکنند. مفسرالمیزان مینویسد: این امور سهگانه که در آیه شریفه به آن‌ها اشاره شده، اگرچه باهم ذکر شده است و بهوسیله «واو» بعضی بر بعضی دیگر عطف شده است؛ اما این امور مترتب بر هم هستند و باید به تدریج صورت گیرند: یعنی ابتدا موعظه، اگر فایده نداشت، دوری و اگر نفع نداشت ضرب و دلیل بر تدریجی بودن آن‌ها این است که این امور بهحسب طبع وسایل زجر است از ضعف بهشدت (طباطبایی ۱۳۶۴ ج ۴: ۲۵۰) بنابراین به نظر میرسد با توجه بهظاهر آیه، قول و نظریه ترتیب بهوقاع نزدیکتر باشد بدینصورت که ابتدا موعظه کند، اگر مؤثر نباشد از او دوری کند، سپس اگر این نیز مؤثر واقع نشد او را تنبيه کند در تفسیر قرطبی روایاتی از صحیح مسلم و ترمذی نقل شده است که به صراحت خشونت علیه زن و تنبيه بدنی وی، به

طور شدید مورد نکوهش واقع شده است و «تنها در صورت ارتکاب زنا، تنبيه بدنی البته به صورت خفیف تجویز شده است».

۲- شهادت زن و نسیان

بعضی از فقهاء (امام مالک و شافعیه) گفتند: در امر نکاح و طلاق و رجعت، تنها شهادت دو مرد بالغ عاقل پذیرفته است و زن نمی‌تواند در آن مشارکت کند، دلیل آن‌ها این است که: خداوند متعال می‌فرماید: «فَإِذَا بَلَغَ الْأَجِلْنِ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ» و هنگامی که مدت عده آنان نزدیک به پایان آمد، یا از ایشان را به طرز شایسته‌ای نگاه دارید و یا بطرز شایسته‌ای از ایشان جدا شوید و بر آنان دو مرد عادل از میان خودتان را به شهادت گیرید» (طلاق، ۲).

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «لَا نِكَاحَ إِلَّا بِبَوْلَى وَشَاهِدَى عَدْلٍ» (Ibn Majah). یعنی: «نکاح صحیح نیست مگر با حضور ولی و دو شاهد عادل».

همانطور که ملاحظه می‌شود در آیه و حدیث شاهد به لفظ مذکر آمده است و گفتند: چون طلاق در دست مرد است، لذا جز شاهد مرد هم پذیرفته نیست.

نقد

علت آن که چرا شهادت دو زن پذیرفته است نه (یک زن) خود قرآن بدان اشاره فرموده که تذکر و حافظه زن کم است نه این که عقل زن ناقص باشد، به هر حال بدون تردید این کلام یک قانون عمومی درباره همه بانوان نیست. در تاریخ درخشان صدر اسلام، زنان مسلمان عاقل متفکر مجاهد فراوانی مانند خدیجه، فاطمه، زینب، سوده، نسیمه نفیسه و ده‌ها بانوی دیگر داشته‌ایم که گاهی صدها مرد توانسته‌اند بدان پایه صعود کنند. موضوع شهادت زن و نسیان (فراموشی) آنان در قرآن و احادیث یکی از مباحث مهم در فقه اسلامی و تفسیر قرآن است. این موضوع به ویژه در آیات مربوط به شهادت و گواهی زنان مورد بحث قرار گرفته است. در قرآن کریم، در آیه ۲۸۲ سوره بقره، به موضوع شهادت اشاره شده است:

« وَ أَسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ
امْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا
الْأُخْرَى » (بقره: ۲۸۲)

این آیه تصریح می‌کند که اگر دو مرد برای گواهی وجود نداشته باشند، می‌توان از یک مرد و دو زن استفاده کرد. دلیل این امر نیز به نسیان (فراموشی) زنان نسبت داده شده است. در تفسیر این آیه، مفسران به این نکته اشاره کرده‌اند که فراموشی زنان ممکن است ناشی از شرایط اجتماعی و فرهنگی زمان نزول قرآن باشد. برخی از مفسران به ویژه در تفسیرهای کلاسیک مانند تفسیر طبری و تفسیر مجمع البیان به این موضوع پرداخته‌اند. به عنوان مثال، در تفسیر مجمع البیان، شیخ طوسی به این نکته اشاره می‌کند که زنان به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی و تربیتی ممکن است در برخی مسائل حقوقی دقت کمتری داشته باشند و بنابراین در صورت فراموشی یکی از آن‌ها، دیگری می‌تواند یادآوری کند (Tusi, 2006). در احادیث نیز به موضوع شهادت زنان پرداخته شده است. به عنوان مثال، در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) آمده است:

«شهادت زن نصف شهادت مرد است» (Majlesi, 1983).

این حدیث نشان‌دهنده تفاوت در اعتبار شهادت زنان و مردان است. البته باید توجه داشت که این مسأله نباید به معنای کاهش ارزش و مقام زن تلقی شود، بلکه باید در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آن زمان مورد بررسی قرار گیرد.

موضوع شهادت زنان و نسیان آنان یکی از مباحث پیچیده و بحث‌برانگیز در فقه اسلامی است. برخی از محققان معاصر بر این باورند که باید با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، این قوانین را بازنگری کرد و به نقش زنان در جامعه مدرن توجه بیشتری داشت.

وضعیت زنان در زمان نزول قرآن: در زمان نزول قرآن، جامعه عربستان تحت تأثیر فرهنگ‌های قبیله‌ای و نظام‌های (مردسالاری) بود. زنان به طور معمول در مسائل اقتصادی و اجتماعی نقش کمتری داشتند و بسیاری از حقوق اولیه آنان نادیده گرفته می‌شد. در این

زمینه، قرآن با آیات خود سعی در ارتقاء مقام زنان و تأمین حقوق آن‌ها داشت.

نقش زنان در شهادت: با وجود محدودیت‌ها، زنان در تاریخ اسلام نقش‌های مهمی ایفا کردند. برخی از زنان مانند حضرت خدیجه (س) و حضرت زینب (س) نه تنها در مسائل اجتماعی بلکه در مسائل سیاسی و فرهنگی نیز فعال بودند. بنابراین، باید توجه داشت که نسیان به معنای عدم توانایی زنان نیست، بلکه ممکن است ناشی از شرایط خاص آن زمان باشد. فقیهان اسلامی دلایل مختلفی را برای نسیان زنان مطرح کرده‌اند. یکی از دلایل عمده این است که مسئولیت‌های خانوادگی و تربیتی ممکن است توجه زنان را از مسائل حقوقی دور کند. این موضوع در فقه اسلامی به عنوان یک واقعیت اجتماعی در نظر گرفته شده است. با پیشرفت‌های اجتماعی و تغییرات فرهنگی، برخی از فقه‌دانان معاصر بر این باورند که باید به بازنگری در قوانین مربوط به شهادت زنان پرداخت. این گروه معتقدند که زنان امروزه توانایی‌های بیشتری دارند و می‌توانند در زمینه‌های مختلف حقوقی و اجتماعی فعال‌تر باشند. در دوران معاصر نیز بسیاری از این ادیان سعی کرده‌اند تا با توجه به تغییرات اجتماعی، دیدگاه‌های خود را نسبت به زنان اصلاح کنند. در نهایت، باید توجه داشت که هرگونه تغییر یا بازنگری باید با حفظ اصول اسلامی و احترام به متون مقدس صورت گیرد. این امر نیازمند گفت‌وگوهای علمی و پژوهشی بین فقه‌دانان، جامعه‌شناسان و فعالان حقوق بشر است تا بتوان به یک نتیجه متوازن دست یافت.

۳- ازدواج، طلاق و تعدد زوجات در اسلام

از نظر فخر رازی: زنان برای عبادت و تکلیف خلق نشده‌اند؛ بلکه آن‌ها صرفاً برای ما خلق شده‌اند و نعمت برای ما هستند.

نقد

چیزی که احتمالاً رازی را به چشم بستن از این آیات روشن واداشته، بعضی احادیث مخالف قرآن از امثال مسلم و بخاری است که تحت تأثیر فضای زن‌ستیز دوره‌ی جاهلیت و قبل از اسلام - که تا به امروز هم ادامه دارد - جعل شده و به پیامبر بزرگوار اسلام نسبت داده شده

است. این برداشت بر خلاف مجموعه آیاتی است که تکالیف یکسانی را بر مردان و زنان قرار داده است.

اولاً: واژه «ازدواج» در آیه مذکور جمع زوج است و زوج به معنای جفت زن نیست؛ بلکه به هر یک از دو جفت، خواه زن باشد و یا مرد «زوج» گفته می‌شود. خطاب آیه نیز به خصوص مردان نیست؛ بلکه همه‌ی افراد بشر - از زن و مرد - مورد خطاب‌اند؛ بنابراین مقصود از عبارت «خلق لکم ازواجاً» این نیست که «برای شما مردها زنانی آفرید» تا نتیجه گرفته شود که صرفاً زن‌ها برای مردان خلق شده‌اند؛ بلکه مفاد آیه این است که خداوند برای شما انسان‌ها (از زن و مرد) همسرانی از جنس خودتان (از جنس بشر، نه موجودات دیگر) آفرید؛ یعنی برای شما زن‌ها، مردانی را و برای شما مردها، زنانی را برای همسرتان خلق کرد.

ثانیاً: بر فرض که از ظهور آیه دست برداریم و به غلط بپذیریم که آیه خطاب به مردان است و مقصود از «ازواج» زنان هستند، ولی باید توجه داشت که محتوای آیه دلالت بر حصر ندارد و در آن از ادات حصر استفاده نشده است، تا خلقت زنان را منحصر در زوجیت آن‌ها برای مردان و آرامش یافتن مردان از طریق آنان قرار دهد. این آیه همانند آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی نحل است که می‌فرماید: «خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد اگر از این آیه که فرموده «برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد» حصر فهمیده شود و چنین استنباط شود که همسران صرفاً برای مردان و نه برای هیچ هدف دیگری خلق شده‌اند، در این صورت، ازدنباله‌ی آیه هم که فرموده «و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد» فهمیده می‌شود که فرزندان و نوه‌های انسان، تنها برای آن‌ها خلق شده‌اند و وجودشان، عبادت‌هایشان و... همه فرعی و تبعی است. نتیجه این برداشت غلط این است که به جز افرادی که در زمان نزول این آیات بوده‌اند، تمامی نسل آن‌ها فرعی و تبعی باشند.

ثالثاً: خداوند در حدود ۳۰ آیه از آیات قرآن تصریح کرده است که قرآن برای هدایت «ناس»، یعنی «عموم مردم» نازل شده است. طبق

این آیات، قرآن پیام و ابلاغی برای «ناس» که مطلق زن و مرد را شامل می‌شود نازل شده است و در نتیجه، هر آیه‌ای که در آن تکلیفی ذکر شده، هر دو (زن و مرد) مخاطب آن هستند و به خلاف گفتار رازی، زنان و مردان به نحو یکسانی در تکالیف مشترک هستند؛ مگر موارد معدودی که به وجود تکالیفی ویژه برای زنان و یا مردان تصریح شده باشد.

در آخر: قرآن کریم به‌طور صریح هدف خلقت جن و انسان را - که هم زن و هم مرد را شامل می‌شود - عبادت خداوند ذکر کرده است: «جن و انس را خلق نکردم مگر برای این که مرا عبادت کنند». بنابراین زنان که کلمه‌ی «انس» شامل آن‌ها نیز می‌شود همچون مردان برای عبادت آفریده شده‌اند. خلاف اصل طبیعی در ازدواج تعدد زوجات است. زیرا اصل و قاعده انست که یک مرد فقط یک زن داشته باشد. همانگونه که یک زن هم یک شوهر بیشتر ندارد. اسلام نه موافق چند همسری بود و نه چند همسری را ترویج کرد. آنچه مشخص است این که در جوامع شرقی همیشه چند همسری وجود داشته و بسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی مردان گاهی تا بیش از ده زن داشته‌اند اسلام این تعدد زوجات را محدود کرد و قیود و شرایطی برای آن قرار داد. این که تصور شود اسلام اولین بار چند همسری را ترویج کرده خطایی تاریخی و انحرافی عمدی است. مفسرین در شان نزول آیه سه سوره نساء می‌گویند: «رسم مرد جاهلی بود که اطفالی را که یتیم می‌شدند، زیر پوشش می‌گرفتند و اموال آن‌ها را حیف و میل می‌کردند.» این آیه که نازل شد و مصرف اموال یتیمان را گناهی بزرگ معرفی کرد، آن‌ها به‌طور کلی از یتیمان کناره‌گیری کردند و از ترس این که مبادا درباره یتیمان بی‌عدالتی کنید و به همین خاطر دست و پای خود را جمع می‌کنید، پس همین فکر را درباره تعدد زوجات نیز داشته باشید و تعداد آن‌ها را به ۴ محدود کنید و اگر باز هم می‌ترسید که بی‌عدالتی کنید پس به همان یک زن بسنده کنید». رسول خدا (ص) به غیلان ابن سلمه هنگامی که اسلام آورده و ده زن در اختیار داشت فرمود: چهار عدد از آن‌ها را نگه دار و بقیه را رها کن. همچنین نوفل پسر معاویه می‌گوید: من هنگامی که مسلمان

به سن گذاشته جایز شمرده، اما برای زنان جوانی که خوف انحراف و فتنه بر آنان می‌رود، حرام دانسته است. «ابن حزم ظاهری» نیز تصریح کرده است که مردان و زنان یکسانند.

۵- شر و فتنه بودن زنان

انما الشوم فی الثلاثه: الفرس و المراه و الدار شومی در سه چیز است: اسب و زن و خانه که منقول از پیامبر اکرم است و گفته شده که راوی صدر الحديث یعنی عبارت «ان كان الطيره فی شیئ ففی..» و یا «كان اهل الجاهلیه یقولون» را نیاورده است که در این صورت نسبت دادن شومی به زن و اسب و خانه نادرست است و قضیه به صورت شرطی است و یا آنکه نقل قول سخن نادرست جاهلیت است. محدثان متن تقطیع شده روایت را از عبدالله عمر و متن کامل و تصحیح شده را از عایشه نقل کرده‌اند (Modir Shanechi, 1984).

أبوسعده الآبی در کتاب نثر الدر فی المحاضرات از زبان پیامبر اکرم آورده است: النساء شرکلهن و شرما فیهن ان لا اسغناء عنه (نثر الدر فی المحاضرات، ج ۱) تعدادی از علمای اهل سنت نیز این جمله را با اندک تغییری از زبان مامون عباسی نقل کردند، از جمله ابن عبدالبر قرطبی در کتاب بهجۃ المجالس می‌نویسد: قال المامون: النساء شرکلهن، و شر ما فیهن قلها لاستغنا عنهن.

نقد

در توضیح این روایت با توجه به اصل ارجاع گزاره‌های شبهه انگیز به محکومات، اصل اشتراک در خلقت، اصل اشتراک در هدف خلقت، اصل بعضکم من بعض، اصل نظام احسن خلقت و مبانی ارزش شناختی احتمال‌هایی قابل طرح است. ضمن اینکه بررسی میزان اعتبار سند این روایات نیز مهم است.

با توجه به اینکه برای این روایت هیچ سندی ذکر نشده است و از دیگر سو مضمون شرارت زن در زبان محاوره عرب و ضرب‌المثل‌های آنان شایع بوده است، احتمال جعلی بودن روایت و استناد گزاره‌های عرفی به ائمه علیه‌السلام قابل طرح است.

شدم پنج زن داشتم. پیامبر بمن فرمود یکی از آن‌ها را رها کن» تعداد ۴ زن در اسلام قانونی بوده که در آن زمان حکم بازدارندگی داشته از تعداد بیشتر زنان نه این که حکمی باشد برای تعدد زوجات و از آنجا که زن آزادانه حق دارد دعوت مردی را به زوجیت بپذیرد یا رد کند و هیچ جبر و اکراهی درین مورد برای زن نیست و اگر باشد باعث بطلان عقد می‌گردد. بنابه همین اصل بهانه‌هایی مانند: مسئله تراکم نسوانی و جنگ و موجه نشان دادن این عمل، خودبخود منتفی می‌گردد.

۴- زیارت اهل قبور

(عن أبي هريرة رضي الله عنه أنه صلى الله عليه وسلم لعنَ زُواراتِ القبور النسائي وأبوداد والترمذی). از ابوهریره منقول است که پیامبر صلی الله علیه وسلم زنانی که به زیارت قبور می‌روند را لعنت و نفرین کرده است.

«قال ابو موسی رضی الله عنه: لعن صلی الله علیه وسلم من حلق أو سلق وخرق». (النسائی واحمد وأصله فی مسلم). ابو موسی گفته که پیامبر صلی الله علیه وسلم: کسی را که «به هنگام فوت یکی از بستگانش» پوست خود را بکند، بر صورت خود بزند و یقه خود را پاره کند و مو خود را بکند لعن کرده است. فقهای سنی، زیارت قبور برای زنان را نوعاً مکروه شمرده‌اند، برخی نیز حرام دانسته و پاره‌ای به این شرط که ایمنی از فتنه و انحراف باشد، نفی کراهت کرده‌اند. در میان شافعیان، ابواسحاق بن یوسف شیرازی، صاحب «المهذب» که «محبی الدین نویی» بر آن شرح نوشته، آن را حرام دانسته است. حنفی‌ها هر چند اختلاف دارند اما «این عابدین» صحیح‌تر آن دانسته که برای مردان و زنان زیارت ثابت است.

نقد

در سنن ابن ماجه چنین آمده است: «رسول خدا در تشییع جنازه‌ای شرکت کرد، زنی از کسان متوفی شرکت کرده بود، عمر بر آن زن نهیب زد. رسول خدا (ص) فرمود: ای عمر! او را رها کن، چشم گریان، دل داغدار و عهد قریب است». از این گونه جریان‌ها در تاریخ زندگی عمر زیاد نقل شده است. یکی از فقهای مالکی، برای زنان پا

«حداقل نه گزاره در مساله فتنه بودن زنان در جوامع حدیثی شیعه و سنی گزارش شده است. این احادیث، به دو گونه کلی، انتساب صریح فتنه به زنان و همنشینی با دیگر فتنه‌ها قابل تقسیم هستند. تلقی به قبول این متون به عنوان روایت و گزارش آن‌ها در جوامع حدیثی مشهور فریقین، نشانگر یک باور تاریخی به محتوای این روایات در فرهنگ و اندیشه اسلامی است که تأثیرات جدی در نوع نگرش به شخصیت و کارآمدی زن از نگاه اسلامی داشته و در دوره معاصر نزد مستشرقان و فیمینسم، شبهاتی چون شوم بودن و تحقیر زن را دامن زده است. هر چند از منظر امامیه انتساب قطعی همه این روایات به معصوم، با توجه به نتایج ارزیابی سندی و مبانی کلامی در حجیت سنت، با موانعی روبروست، اما فی الجمله صدور برخی از آنها، قوت دارد. برابر تاریخ‌گذاری اسنادی، زمان‌شناسی صدور اکثر این روایات به قرن اول هجری و به طور خاص دوره بعثت رسول خدا (ص) بر می‌گردد. شاخص گفتمان این دوره، گذار از فرهنگ جاهلی به فرهنگ اسلامی بوده و شارع اسلامی با رویکردی اصلاحی و احیایی به ترمیم و تصحیح شخصیت زن و تعدیل مناسبات مردان با زنان پرداخته است.» (مجلسی راد،)

«در مورد روایات شر و شوم و فتنه بودن زنان؛ اولاً این روایات مرسل بودند و ما نمونه این روایات را در کتب معتبر روای شیعه پیدا نکردیم. حمیده، همسر امام صادق (ع) یکی از ۵ نفری بودند که امام به عنوان وصی خود معرفی کرد. امام ایشان را مرجع برخی از سوالات اصحاب قرارداد داده بودند. این نشان از ارزش و جایگاه جنس زن نزد اهل بیت است، البته روایات دیگری دال بر خیر و برکت بودن زنان و نکوهش عذب بودن و روایاتی در مورد حب النساء و رابطه آن با ازدیاد ایمان نیز وجود دارد. اگر زنان شر و نامبارک هستند چرا اهل بیت ما ایشان را مایه خیر و برکت می‌دانند؟ چرا میفرمایند حب النساء از اخلاق انبیاء و ازدیاد حب النساء باعث ازدیاد ایمان میشود و چرا مجرد ماندن رانکوهش می‌کنند؟»

۶- عدم مشورت با زنان

از انس مرفوعاً روایت شده است: «لا یفعلن أحدکم امرأ حتی یتشیر فإن لم یجد من یتشیره فلیستشر امراه ثم یمخالفها فان فی خلافها البرکه».

از جمله اموری که در احادیث از آن بسیار نکوهش و نهی شده، مشورت با زنان است؛ امری که زنان را حتی در خانه و زندگی زناشویی در مقابل مرد، در حالی بسیار انفعالی و تحقیرآمیزی قرار می‌دهد.

بدون سند و به اصطلاح مرسل از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «شاووهن و خالفوهن» با زنان مشورت کنید و با آن‌ها مخالفت کنید (Majlesi, 1983).

نقد

این حدیث مرسل و مرفوع، یعنی منسوب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. با وجود این، برخی گفته اند که حدیث «شاووهن و خالفوهن» مرفوع و منسوب به معصوم علیه السلام نیست، بلکه اصلی ندارد. در نقد این حدیث گفته شده: در سندش عیسی قرار دارد که بسیار ضعیف است و حدیث نیز منقطع می باشد (Bostani, 2009).

حدیث مذکور، در کتب معتبر حدیثی نقل نشده است. ظاهراً این حدیث در اصل، از احادیث سنت می باشد و نقل طبرسی نیز ظاهراً از آنان است و اهل سنت نیز همچنان که ملاحظه شد، حدیث را نقد کرده و چندان بدان خوشبین نمی‌باشند.

۱- در خصوص مشورت با زنان و سپس مخالفت با آن، پرسش‌هایی مطرح می‌شود؛ از جمله چرا باید با راهنمایی‌های ناشی از مشورت با زنان مخالفت کرد؟ می‌توان از ابتدا با آن‌ها مشورت نکرد. ممکن است گفته شود: در این صورت، مردان راه حل صحیح مسائل را نخواهند یافت، مگر پس از مشورت با زنان و عمل بر خلاف نظر آن‌ها! و این مطلب در حقیقت نوعی مدح برای زنان و ذم برای مردان است. آیا این سفارش بر این فرض بنا شده که زنان به طور طبیعی دروغ می‌گویند یا اشتباه می‌کنند؟ آن هم درست در جهت عکس آنچه از آن‌ها خواسته می‌شود؟

این درحالی است که عقلاً و حساً توصیف زنان به دروغ گویی یا اشتباه کاری صرف، نادرست است. از سوی دیگر، عملاً کمتر پیش می آید که آدمی در هر مشورتی به طور مطلق اشتباه کند و به طور مطلق خلاف آن درست باشد، خواه مرد باشد یا زن.

۲- برخی در خصوص این سؤال که «اگر مراد مخالفت کردن با زنان است، پس چرا امر به مشورت کردن با آنها داده شده است و کافی بود گفته شود: خالفوهنّ فیما یشرن به؛ با آنها در چیزی که بدان اشاره می کنند، مخالفت کنید». پاسخ داده اند: امر در «شاووهن»، امر اباحه و جواز و در «خالفوهن»، امر وجوب است؛ یعنی: اذا شاووهنّ فخالفوهنّ (هر وقت با آنها مشورت کردید، مخالفت کنید، نه اینکه ابتدا باید با آنها مشورت کنید سپس مخالفت، بلکه از ابتدا نیز می توانید مخالفت کنید)، یا اینکه مراد آن است که سخن درست در خلاف نظرات زنان نهفته است، پس اگر نظر درست در کاری بر شما مشکل شد، با آنها مشورت کنید و در صورتی که نظری دادند، بدانید که خلاف آن درست می باشد.

۳- اگر زنان بدانند مردان با چه قصدی با آنان مشورت می کنند، به طور قطع سخنانی خواهند گفت عکس آن چیزی که خود مد نظر داشته اند و بدین ترتیب، نقض غرض پیش خواهد آمد، مگر اینکه گفته شود: زنان به طور طبیعی و ناخواسته ناتوان از چنین حیل‌های هستند و هر اندازه که تلاش کنند، نمی توانند از این طریق به خواسته خود برسند!

در کتب سیره‌ها (سیره و زندگی نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله) و مغازی (کتب مربوط به غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله)، چنین کاری که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خروج برای جنگ با زنان مشورت کرده و خلاف آن را انجام می داده، گزارش نشده و شاهدهی نیز بر آن در منابع مورد مراجعه مشاهده نشد. ضمن اینکه حدیث مربوط، نشان می دهد که زنان از امور جنگی بی اطلاع نبودند و مسائل مربوط به لشکرکشی، حمله، دفاع و... را خوب می دانستند، وگرنه هنگام مشورت جنگی با زنان، آنها از چه چیز جنگ سخن می گفتند؟ در حالی که چنین حالتی قابل قبول نیست و نمی توان

گفت که زنان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مسائل جنگی را بهتر از مردان می دانستند.

۴- معمولاً در نقد چنین احادیثی، به مشورت پیامبر صلی الله علیه و آله با ام سلمه در خصوص صلح حدیبیه و عمل به آن استناد می شود که باعث نجات مسلمانان از پراکندگی گشت.

نقل است که بعد از انعقاد صلح حدیبیه در سال ششم هجری میان مسلمانان و مشرکان مکه، هنگامی که پیامبر کرم صلی الله علیه و آله از مسلمانان خواست تا به زیارت خانه خدا بروند و مراسم حج را انجام دهند (قوموافنحرواثماحلقوا) «بلند شوید ذبح کنید و سپس سرهایتان را تراشید» به خدا قسم تا سه بار این جمله را تکرار کرد، کسی از آنان بلندنشده، وقتی دید که هیچ کسی بلند نشد، (پیامبر صلی الله علیه و سلم) نزد ام سلمه (رض) رفت و رفتاری را که از مردم سر زده بود برایش تعریف کرد، ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا! اگر این کار (ذبح و تراشیدن سر) را دوست داری بیرون برو و تا شتر خود را ذبح نکرده‌ای و آرایشگرت را صدا نزده‌ای که سرت را تراشد با هیچ کس حتی یک کلمه حرف نزن، پیامبر صلی الله علیه و سلم بیرون رفت و تا این عمل را انجام نداد با هیچ کس از آنها صحبت نکرد. وقتی که اصحاب این وضعیت را دیدند، بلند شدند و ذبح کردند و سر همدیگر را تراشیدند، بطوری که نزدیک بود از روی ناراحتی (وسرعت کار) یکدیگر را بکشند (Bukhari). همچنان که ملاحظه می شود، تمام احادیث این باب یا مورد انتقاد قرار گرفته اند یا از سند کامل برخوردار نمی باشند (Bostani, 2009).

در فقه اهل سنت (Sadeqi Ardestani, 1996) یکی از حقوق زن بر مرد آن است که به پیروی از پیامبر صلی الله علیه و سلم در کارها با او مشورت کند بویژه در مواردی که مربوط به او و فرزندانش می شود، چرا که پیامبر صلی الله علیه و سلم با همسرانش مشورت می کرد و نظر آنان را قبول می کرد. برخلاف ضرب المثل‌های ظالمانه‌ای که در میان مردم رواج دارد و آنها را از مشورت با زنان برحذر می دارند و می گویند، مشورت با زنان اگر سود داشته باشد به

ویرانی یکسال و اگر سود نداشته باشد به ویرانی تمام عمر منجر می‌شود.

۷- اشتغال زنان

کاشانی از جمله فقهای بزرگ حنفی می‌نویسد: «از حقوق مرد پس از ازدواج، این است که زن در خانه بماند و بیرون از منزل، به اشتغال نپردازد، و تأمین نیازهای زن بر عهده مرد است.

سرخسی فقیه حنفی می‌گوید: «معلوم است که زنان نمی‌توانند در خارج از منزل اشتغال داشته باشند؛ زیرا اشتغال زن موجب فتنه است» در برخی از کتب فقهی آمده است: اگر زن بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود، ناشزه محسوب، و مجازات وی عدم پرداخت نفقه است، بنابراین اشتغال زن در بیرون از منزل، مشروط به رضایت شوهر است. اندیشه این فقیهان مبتنی است بر این که فطرت می‌طلبد که زن به امور خانه، بارداری، شیردهی و نگهداری و تربیت فرزندان بپردازد؛ این دیدگاه از اندیشمندانی چون رشید رضا نقل شده است.

مصطفی سباعی گوید: تا وقتی بر شوهر شرعاً واجب است که نفقه بدهد، زن حق کار کردن را ندارد، او می‌افزاید: ماندن زن در منزل باعث می‌شود، از فریب و مکر مردان در امان بماند و جایگاه والا و شایسته خود را در جامعه حفظ کند. اهل سنت را اعتقاد بر این است که: اشتغال زن با روح و مقصد شریعت سازگار نیست و با نصوص و اصول کلی شریعت در تعارض است؛ بر اساس آیه ۳۴ سوره نساء الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ و آیه ۲۲۸ سوره بقره وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ مَسْئُولِيَّةٌ هَزِينَةٌ بِمَرَدٍ هُوَ وَهُوَ مَكْلَفٌ بِتَأْمِينِ خُرْجِي زَنْدَگِیِ زَنْ هُست، اساس این تکلیف این است که زن مکلف به اشتغال نشود؛ زیرا او باید توان خود را صرف اموری نماید که خداوند در فطرت و سرشتش قرار داده است و اگر قرار باشد زن کاری را انجام دهد که مرد بدان مکلف است، این مستلزم تغییر قانون الهی و طبیعی است (Khoshkhabar, 2011).

کار در خانه از نگاه جامعه یک نوع اتلاف وقت است و شایسته نیست انسان عاقل توانمند به جای مشغول شدن در عرصه های اجتماعی و سیاسی، عمر خود را در آشپزخانه، و برای تربیت بچه، و خدمت به

شوهر و خانواده سپری کند. سردمداران این فکر در جهان اسلام، رفاعه طهطاوی، قاسم امین، طاهر حداد، محمد مهدی الحجوی، محمد عبده و همفکرانشان هستند.

گروهی خانه نشینی زن را استحباب می‌دانند: استدلال این گروه به فرموده خدای تعالی: وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةُ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ رُبْعَهُ مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا أَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ (نساء، ۱۵) است. لازمه دین بودن و کار کردن در خارج از منزل این است که نباید مرد و زن بیگانه و نامحرم در یک اتاق به کار اداری مشغول باشند؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «هیچ گاه مردی با زنی که با او نامحرم است خلوت ننماید؛ زیرا نفر سوم آن‌ها شیطان است (و برای ایجاد فساد و تباهی تلاش می‌کند)» (مسند امام احمد) هم چنین به مسافرت رفتن بیش از ۸۵ تا ۸۹ کیلومتر خانم‌ها، بدون اجازه پدر یا شوهر جایز نیست؛ زیرا رسول خدا (ص) فرموده اند: «برای زنی که به خداوند و دنیای پس از مرگ ایمان دارد، روا نیست که بدون اجازه همراهی محرمی به سفرهای بیش از سه شبانه روز برود» (Muslim).

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا يَخْلُونَ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ وَلَا تُسَافِرُ امْرَأَةٌ إِلَّا وَمَعَهَا مُحَرَّمٌ». فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَكُتِبْتُ فِي غَزْوَةٍ كَذَا وَكَذَا وَخَرَجَتْ امْرَأَتِي حَاجَةً؟ قَالَ: أَذْهَبَ فَحُجَّ مَعَ امْرَأَتِكَ

ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: شنیدم که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «هیچ مردی با زنی (بیگانه) خلوت نکند. و هیچ زنی بدون محرم، به مسافرت نرود. مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا! من برای فلان غزوه، ثبت نام شده‌ام و همسرم به حج رفته، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «برو و با همسرت حج کن» (Bukhari).

نقد

در جواب سرخسی باید گفت: فطری بودن امور مربوط به خانه، مانع از اشتغال نیست و اگر بپذیریم که زن توانایی کارهای سخت را ندارد، در جامعه کارهایی که با وضعیت روحی و جسمی زن سازگار باشد، وجود دارد و باید دانست که تمامی کارها، به فعالیت سخت جسمی

نیاز ندارند. جواب سبائی اینست که: این ادعا از پایه و اساسی برخوردار نیست؛ زیرا دلیلی وجود ندارد که بتوان با آن ثابت کرد که زن حق اشتغال ندارد و همه مردان فریبکار و همه زنان فریب خورنده نیستند. در میان فقها هیچ اختلافی نیست که زن اجازه دارد برای نیازها و کارهایش بیرون برود، اما بایستی هنگام بیرون رفتن خود را آرایش نکند و خود را بپوشاند و زیور آلات و زیبایی هایش را در معرض دید مردان قرار ندهد. به طور کلی در هنگام بیرون رفتن ظاهرش نبایستی به گونه‌ای باشد که چشمان مردان را به سوی خود خیره کند و هوس‌ها را در آنان بیدار کند. براساس آیه ۱۵ سوره نساء، حبس شدن زن در خانه اصل نیست، بلکه اگر ارتکاب فاحشه صورت گرفت، حکم حبس جاری است. به فرموده خدای عزوجل (نور، ۳۰) **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ غُضُؤَانٌ أَبْصَارُهُمْ** نیز استدلال کرده‌اند در این آیه خداوند به زنان و مردان فرمان می‌دهد که غضب صر (چشم فرو بستن از نامحرم) کنند. این دلیل است بر جواز خروج زن از خانه؛ زیرا فرمان به چشم فرو بستن بدون خارج شدن زن و اختلاط وی با مرد و مشارکت زن در عرصه اجتماع، معنا پیدا نمی‌کند پیامبر (ص) فرموده است: **لَا تَمْنَعُوا إِيَّاهُ اللَّهُ** مساجد الله حدیث دلالت دارد بر اینکه مردان، مانع حضور زنان در مسجد نشوند و این می‌رساند که ماندن زن در خانه مستحب است، اگر واجب بود، پیامبر به آن‌ها اجازه نمی‌داد که به مسجد آیند. نیز روایت شده است که عمر اجازه داده است که زنان پیامبر به حج و عمره روند و صحابه این عمل کرد عمر را انکار نکرده‌اند و رأی عثمان و عبدالرحمن بن عوف و مغیره بن شعبه و دیگران نیز همین بوده است حداقل می‌توان آنرا اجماع سکوتی به حساب آورد. اشتغال زنان در عصر تنزیل و خلفا، به صورت گسترده رایج بوده است. به عنوان نمونه: عمر، شفاء دختر عبدالله را مسئول حاسبه بازار نمود و تنها دلیل فقها بر این که در تولیت حاسبه، مرد بودن را شرط نکرده‌اند، این عملکرد عمر است؛ استناد و «کرده‌اند به فرمایش خدای عزوجل **الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ** (توبه، ۷۱) **وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ** (آل عمران، ۱۰۴). در این دو آیه، خدای عزوجل

مؤمنان زن و مرد را فرمان می‌دهد که در جهت امر به معروف و نهی از منکر به پا خیزند و در این راستا، یار و یاور همدیگر باشند، تا رستگار شوند و «خیراً» بودن در جامعه اسلامی محقق گردد. «قول ابن حزم و طبری و ماوردی نیز همین است، نیز در الاستیعاب آمده است که سمراء دختر نهیک اسدی عهده دار حاسبه بود. معروف است که وی در بازار رد می‌شد و امرونی می‌کرد و باتازیانه ای که در دست داشت، کار را پیش می‌برد و از این طریق، مسئولیت خویش را به جدیت، انجام می‌داد» (Khoshkhabar, 2011). برخی زنان در عصر خیر قرون متصدی امر فتوا و نشر علم شده‌اند، به ویژه زنان پیامبر (ص) برخی از زنان در غزوه‌ها شرکت کرده‌اند. وارد است که رفیده اسلمی انصاری به مامایی و پرستاری و مداوای مسلمانان اشتغال داشته و معروف است که رسول الله (ص) در مسجد خیمه ای برایش بر پا نمود که به مداوای مجروحان جهاد پردازد. گاهی که ضرورتی پیش می‌آمد، زن مسلمان در رکاب پیامبر (ص) دست به شمشیر می‌شد. ربیع بنت معوذ انصاری گوید: همراه پیامبر (ص) جهاد می‌کردیم و در قسمت تدارکات، خدمات می‌رساندیم، آب می‌رساندیم، مجروحان و شهدا را به مدینه می‌رساندیم. ام عطیه گوید: در هفت غزوه همراه پیامبر (ص) شرکت نمودم... و برای مجاهدان غذا آماده می‌کردم و مجروحان را مداوا می‌نمودم. ام سلیم در جنگ حنین خنجر به دست گرفته بود، وقتی شوهرش از او پرسید: چرا این را به دست گرفته است؟ گفت: آنرا به دست گرفته‌ام تا چنان چه مشرکی به من نزدیک شد، شمشیر را پاره کنم. ام عماره انصاری در جنگ احد خود را سپر پیامبر (ص) کرد که مبادا به پیامبر (ص) تیری اصابت کند. ام عماره در جنگ، ده جای بدنش زخم برداشت.

نتیجه گیری

چالش‌های موجود در تفسیر احادیث، نیاز به دقت و توجه بیشتری را در مطالعات اسلامی نشان می‌دهد. برداشت‌های متفاوت از متون دینی می‌تواند منجر به شکل‌گیری نگرش‌های مختلف نسبت به زنان شود. بنابراین، پژوهشگران باید با دقت بیشتری به منابع اصلی مراجعه کرده

و از روش‌های علمی و تاریخی برای تحلیل این متون استفاده کنند. این امر نه تنها به فهم بهتر متون دینی کمک می‌کند بلکه می‌تواند زمینه‌ساز تغییرات مثبت در نگرش‌های اجتماعی نسبت به زنان باشد. متأسفانه در برخی موارد به روایاتی استناد شده که از حیث سند، غیر قابل اعتماد است و یا با آیات قرآن تضاد دارد. در برخی نوشته‌های اهل سنت تمرکز اصلی روی آراء و نظریات است، آن هم نظرات نویسندگان و یا اندیشمندانی که تحت تأثیر فرهنگ زن‌ستیز دوران جاهلی و روایات جعلی مطابق آن قرار دارند. اعتماد بی‌قید و شرط به صحیح بخاری و مسلم: از نظر عمده‌ی علمای اهل سنت (مکتب صحابه)، احادیث صحیح مسلم و بخاری مورد اعتماد است؛ ولی دیدگاه عالمان شیعه (مکتب اهل بیت) در این باره متفاوت است؛ زیرا در این دو کتاب اگرچه احادیث صحیح زیادی هست، لکن روایات مخالف با قرآن و سنت قطعی و نیز احادیث دارای سند ضعیف، قطع شده، موهن و مخالف عقل نیز در آن‌ها فراوان یافت می‌شود. با بررسی روش‌مند آیات و روایات روشن می‌شود که زن از حیث ماهیت انسانی، متفاوت از مرد نیست و وجود او فرعی و در درجه دوم نیست؛ بلکه زن همانند مرد، انسان، مخاطب خداوند و شایسته پذیرش دستورات حیات‌بخش پروردگار است. از نظر دین، معیار ارزش و منزلت افراد، جایگاه‌های دنیوی و یا جنسیت آنان نیست؛ بلکه تقوا، ایمان، معرفت و تقرب به خداوند، درجه و ارزش افراد را تعیین می‌کند و زن و یا مرد بودن کمترین دخالتی در این مورد ندارد. زن و مرد از امکان برابری برای کسب مقامات معنوی و مراتب ایمانی برخوردار هستند و زن بودن، دخالتی در نقصان اخلاقی و بی‌ایمانی ندارد. یکی از علل مهم تحریفات جهت دامن زدن به انزوای زن در اجتماع را می‌توان این گونه بیان کرد که: با گسترش اسلام و پذیرش آن توسط توده بزرگی از مردم عامی و بی‌سواد عقاید، خرافات و باورهای قدیمی شان به دین وارد شد. اسلام از دین نخبگان شهری و تحصیل کرده به هویت اجتماعی اکثریت تبدیل شد و در واقع با ایمان آوردن ترک‌های چادر نشین آسیای صغیر و هندوهای طبقه پایین و بربرها و.. عقاید این ملتها کم کم به کاسه دین سرازیر شد.

اسلامی شدن اسمی این توده‌ها که با سنتهای طبقات بالا و فرهیختگان فرهنگی به زحمت در تماس بودند به معرفی عقاید و اعمال غیر اسلامی به اسلام شد. همزمان با این پدیده ظهور قلندرها و دراویش که به ظاهر بی‌اعتنا بودند و از زن و زندگی هر دو اجتناب می‌کردند یا در برابر عوام تظاهر به بی‌رغبتی و دوری می‌کردند و ظهور فرقه اسماعیلیه و همزمان با آن حمله مغول به ممالک اسلامی راه را بر محدود کردن هر چه بیشتر زنان در جامعه اسلامی و رواج روایات ضد زن و ضد دینی را در جامعه هموار کرد. احادیث مرتبط با زنان می‌توانند تأثیرات عمیقی بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی داشته باشند. اگر جوامع اسلامی بتوانند احادیثی که بر حقوق و نقش‌های مثبت زنان تأکید دارند را ترویج دهند، می‌توانند به تغییرات مثبت در نگرش‌ها و رفتارها نسبت به زنان دست یابند. این تغییرات می‌تواند شامل افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشد که نه تنها به نفع زنان بلکه به نفع کل جامعه خواهد بود. آموزش و آگاهی‌بخشی درباره حقوق و نقش‌های زنان در اسلام باید در اولویت قرار گیرد. برنامه‌های آموزشی که بر مبنای احادیث صحیح و معتبر طراحی شده‌اند، می‌توانند به تغییر نگرش‌های منفی نسبت به زنان کمک کنند و زمینه‌ساز ارتقاء جایگاه آنان در جامعه شوند. این آموزش‌ها باید شامل تفسیر صحیح احادیث، بررسی تاریخیچه نقش زنان در اسلام و تشویق به مشارکت فعال آن‌ها در جامعه باشد. در نهایت، تحلیل محتوایی احادیث مرتبط با زنان نشان‌دهنده پیچیدگی و تنوع نگرش‌های اسلامی نسبت به زنان است. این احادیث نه تنها شامل تأکید بر حقوق و نقش‌های مثبت زنان هستند بلکه می‌توانند چالش‌هایی را نیز نمایان سازند که نیازمند توجه ویژه‌ای هستند. با بهره‌گیری از آموزه‌های صحیح اسلامی و ترویج نگرش‌های مثبت نسبت به زنان، می‌توانیم به سمت جامعه‌ای عادلانه‌تر و برابرتر حرکت کنیم که در آن همه افراد، صرف‌نظر از جنسیت، بتوانند از حقوق خود بهره‌مند شوند و نقش فعالی در پیشرفت اجتماعی ایفا کنند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This study critically examines the content of fabricated hadiths concerning women, with a particular focus on Sunni narratives. The role of hadiths in shaping societal attitudes towards women has been a pivotal issue in Islamic societies. These sayings of the Prophet Muhammad (PBUH), revered as a source of moral and ethical guidance, have often been subject to scrutiny concerning their authenticity and alignment with Quranic principles. Fabricated hadiths, or "Mawdu," which lack reliable chains of transmission, frequently introduce biases that distort the true Islamic perspective on women's roles and rights.

Historically, Islamic teachings have emphasized equality, respect, and dignity for women. Foundational sources, including the Quran and authentic hadiths, clearly advocate for the empowerment and respectful treatment of women (Muslim). However, cultural practices and historical contexts have often influenced the interpretation and implementation of these teachings, resulting in widespread acceptance of certain fabricated hadiths. For instance, some traditions falsely perpetuate negative stereotypes about women, portraying them as inherently flawed or subservient (Bukhari). These stereotypes, derived from weak or fabricated narratives, stand in stark contrast to the Quranic depiction of women as equal partners in the spiritual journey (Quran 33:35).

One central theme of the study is the misinterpretation of hadiths that describe women's intellectual and moral capacities. Narratives suggesting women's deficiency in intellect and religiosity have been critically challenged

از این رو، پژوهشگران باید به بررسی تطبیقی احادیث مرتبط با زنان در جوامع مختلف اسلامی بپردازند تا تفاوت‌ها و شباهت‌ها را شناسایی کنند. همچنین، بررسی تأثیرات اجتماعی این احادیث بر زندگی روزمره زنان نیز می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های جدید باشد. چنین پژوهش‌هایی می‌توانند به توسعه راهکارهای مؤثر برای ارتقاء جایگاه زنان در جوامع اسلامی کمک کنند.

(Bukhari). Scholars like Tabari and Ibn Khaldun have highlighted the historical contexts of these hadiths, arguing that they were reflective of pre-Islamic societal norms rather than divine instruction. By critiquing the authenticity of such traditions, the research underscores the necessity of contextual and historical analysis in hadith studies. This approach aligns with classical Islamic methodologies that prioritize the Quran and sound reasoning as benchmarks for evaluating the validity of hadiths.

The study also explores the implications of fabricated hadiths on women's social roles and rights. For example, the perception that women should remain confined to domestic roles is often justified through weak traditions. These narratives have historically been used to restrict women's participation in public life, despite clear evidence of their active roles in early Islamic society. Influential female figures, such as Khadijah bint Khuwaylid and Aisha bint Abu Bakr, exemplify women's leadership in trade, education, and religious scholarship. These examples highlight the disconnect between authentic Islamic teachings and the patriarchal interpretations perpetuated by fabricated hadiths.

Addressing the methodological challenges in evaluating fabricated hadiths, the research highlights key criteria for content critique. These include consistency with Quranic principles, alignment with established Sunnah, rational coherence, and historical accuracy. The study employs a qualitative analysis of primary and secondary sources, including classical hadith collections and contemporary critiques. This rigorous approach seeks to uncover the socio-

political motives behind the fabrication of certain traditions, which often served to justify existing power structures and gender hierarchies.

The findings of this research have profound implications for contemporary Islamic discourse on gender equality. By promoting authentic and positive narratives about women, Islamic societies can challenge discriminatory practices and foster more inclusive attitudes. For instance, emphasizing the hadiths that stress women's rights to education and their equal spiritual status can drive significant social change. As Prophet Muhammad (PBUH) stated, "Seeking knowledge is an obligation upon every Muslim, male and female". Such teachings reaffirm women's central role in the intellectual and moral development of the Muslim community. In conclusion, this study underscores the importance of revisiting the sources and interpretations of Islamic teachings concerning women. By critiquing fabricated hadiths and aligning religious discourse with Quranic values, the research aims to contribute to a more equitable understanding of women's roles in Islam. Future studies should expand on these findings by conducting comparative analyses across different Islamic traditions and exploring the social impact of authentic hadiths on contemporary gender norms. This endeavor will not only enhance the scholarly understanding of Islamic teachings but also promote social justice and equality within Muslim societies.

References

- Ahmadi, M. (2022). *The Role of Women in Islamic History*. Maaref Publications.
- Bostani, G. (2009). Analysis of Hadiths Prohibiting Consultation with Women. *Shiite Women's Scientific-Promotional Quarterly*, 6(22).
- Bukhari, M. B. I. *Sahih al-Bukhari*. Dar Ibn Kathir.
- Ibn Majah, M. B. Y. *Sunan Ibn Majah*. Dar al-Fikr.
- Ibn Salah, A. B. S. (1999). *Uloom al-Hadith*. Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Khoshkhabar, M. (2011). Women's Employment from the Perspective of Sunni Jurists. *Forough Vahdat*, 7(25).
- Mahdavi Kani, F. (2010). *Women in Islam*. Imam Sadiq University Press.
- Majlesi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Masoudi, A. (2005). *The Method of Understanding Hadith*. SAMT.
- Modir Shanechi, K. (1984). *Hadith Studies*. Islamic Publications Office.
- Mousavi, F. (2019). *Social Perspectives on Women in Islam*. Research Institute Publications.
- Muslim, M. B. H. *Sahih Muslim*. Dar Ibn Kathir.
- Nasa'i, A. B. S. a. *Sunan al-Nasa'i*. Dar al-Fikr.
- Nawab Safavi, S. M. (2002). *Ijtihad and Taqlid*. Islamic Publications.
- Roshan Zamir, M. I. (2019). *A Trend Analysis of Quran Sufficiency*.
- Sadeqi Ardestani, A. (1996). *Learned Women and Hadith Narrators*. Qom.
- Sobhani, J. (1998). Criteria for Content Criticism of Hadiths. *Presented at the Third Hadith Studies Meeting, High School of Dar al-Shifa, Qom*.
- Tusi, M. B. H. (2006). *Tafsir Majma' al-Bayan*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.